



بررسی اخبار (مدنی) سیره نبوی صلی الله علیه و آله
در صحیحین و متون تاریخی
سه قرن نخست هجری

محمدامین ایزانلو حسین مرادی نسب



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

بهار ۱۳۹۹

ایزانلو، محمدمامین، ۱۳۶۲- .
بررسی اخبار (مدنی) سیره نبوی ﷺ: در صحیحین و متون تاریخی سه قرن نخست هجری / محمدمامین ایزانلو
و حسین مرادی نسب. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۹.
سبزه، ۳۳۰ ص: مصور، جدول. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: ۵۲۸: تاریخ: ۱۱۹)
ISBN: 978-600-298303-9
بها: ۴۱۰۰۰ ریال
فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه: ص. [۲۸۱]-۲۹۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.
نمایه
۱. محمد ﷺ پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ ق. ۲. سنت نبوی - نقد و تفسیر. ۳. سنت نبوی.
۴. اسلام - تاریخ. الف. مرادی نسب، حسین، ۱۳۳۸- . ب. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ج. عنوان.
BP ۲۴ / ۴۶
۲۹۷ / ۹۳
شماره کتابشناسی ملی
۵۷۹۹۱۴۴



بررسی اخبار (مدنی) سیره نبوی ﷺ در صحیحین و متون تاریخی سه قرن نخست هجری

مؤلفان: محمدمامین ایزانلو، و حسین مرادی نسب (عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه)

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

ویراستار: سعیدرضا علی عسکری

صفحه آرای: کاما

چاپ اول: بهار ۱۳۹۹

تعداد: ۳۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - جعفری

قیمت: ۴۱۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نبش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات: ۳۲۱۱۱۳۰۰)

نماینده: ۳۲۸۰۳۰۹۰ ص. پ. ۳۷۱۸۵-۳۷۱۸۵ ● تهران: خیابان انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۰۲۶۰۰

مرکز پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۶-۳۷۸۴۲۶۳۵_۲۵

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و هدایت پدیده‌های انسانی در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر است و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی، فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارآیی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی علیه السلام، بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» را در سال ۱۳۶۱ فراهم کرد و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت استادان حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جامعه علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار بیش از ۵۲۵ عنوان کتاب و شش نشریه علمی اشاره کرد.

این اثر به عنوان منبع درس «سیره نبوی» در مقطع دکتری رشته تاریخ اسلام^۱ فراهم آمده است؛ البته دیگر علاقه‌مندان به این زمینه تحقیقی نیز می‌توانند از آن بهره‌مند شوند. از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از ارزیاب محترم اثر جناب حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حامد منتظری مقدم و مؤلفان ارجمند آقایان محمدامین ایزانلو و حجت‌الاسلام والمسلمین حسین مرادی نسب سپاسگزاری کند.

۱. براساس مصوبه شماره ۸۴۰ جلسه شورای عالی برنامه‌ریزی آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، مورخ ۱۳۹۲/۵/۲۷.

فهرست مطالب

| | |
|--|----|
| سخن مؤلفان | ۱ |
| فصل اول: کلیات / ۳ | |
| مقدمه | ۳ |
| اهمیت و ضرورت تحقیق | ۴ |
| مفاهیم | ۶ |
| منابع مورد استفاده | ۷ |
| فصل دوم: بررسی اخبار سیره نبوی ﷺ (مدنی) در صحیحین و متون تاریخی... / ۳۱ | |
| مقدمه | ۳۱ |
| ○ بخش اول: از هجرت تا غزوه خندق | ۳۱ |
| □ اسلام آوردن عبدالله بن سلام (م ۴۳ق) | ۳۱ |
| نقد گزارش اسلام آوردن عبدالله بن سلام | ۳۴ |
| □ پیمان برادری (مؤاخات) | ۳۵ |
| نقد گزارش | ۳۶ |
| ارث بردن از همدیگر در پیمان برادری | ۳۷ |
| نقد گزارش | ۳۸ |
| □ ازدواج پیامبر ﷺ با عایشه (م ۵۷ق) | ۳۸ |
| نقد گزارش | ۴۱ |
| □ غزوه ذی‌العشیره | ۴۴ |
| نقد گزارش | ۴۵ |

| | |
|----|---|
| ۴۵ | □ غزوه بدر و حوادث مربوط به آن |
| ۴۶ | غزوه بدر در قرآن |
| ۴۸ | شمار مسلمانان در غزوه بدر |
| ۵۰ | غایبان غزوه بدر |
| ۵۱ | نقد گزارش |
| ۵۱ | تعداد مشرکان غزوه بدر |
| ۵۲ | کسب اطلاع از سپاه مشرکان |
| ۵۲ | بررسی گزارش |
| ۵۳ | مشورت پیامبر ﷺ با اصحاب و نقد گزارش آن |
| ۵۷ | دعای پیامبر ﷺ پیش از جنگ بدر و نقد آن |
| ۵۹ | نفرین پیامبر ﷺ |
| ۶۰ | نقد گزارش |
| ۶۰ | اشعار مشرکان در مرگ کشتگان خود در غزوه بدر |
| ۶۱ | سخن گفتن پیامبر ﷺ با اجساد مشرکان در غزوه بدر |
| ۶۲ | نقد گزارش |
| ۶۲ | کشته شدن ابوجهل |
| ۶۴ | نقد گزارش |
| ۶۵ | کشته شدن اُمیة بن حَلَف و نقد آن |
| ۶۷ | کشته شدن طُعیمة بن عَدی بن الخیار |
| ۶۸ | نقد گزارش |
| ۶۸ | سرنوشت اسیران بدر |
| ۷۰ | اسارت عباس بن عبدالمطلب |
| ۷۱ | فضیلت بدریان |
| ۷۲ | نقد گزارش |
| ۷۳ | فرشتگان در بدر و نقد برخی از گزارش‌های آن |
| ۷۵ | غنائم بدر |
| ۷۵ | نقد گزارش |
| ۷۶ | غنائم امام علی <small>علیه السلام</small> از غزوه بدر |
| ۷۷ | نقد گزارش |
| ۷۷ | □ غزوه اُحُد و گزارش‌های پیرامون آن |
| ۷۷ | غزوه اُحُد در قرآن |
| ۷۸ | فراریان از غزوه اُحُد |
| ۷۹ | به خواب رفتن اصحاب در غزوه احد |

| | |
|-----|---|
| ۷۹ | اجابت کنندگان خدای سبحان و پیامبر ﷺ |
| ۸۰ | نقد گزارش |
| ۸۰ | نفاق در سپاه اسلام |
| ۸۱ | معرکه جنگ |
| ۸۳ | محافظان پیامبر ﷺ و نقد آن |
| ۸۶ | حضور زنان در اُحد |
| ۸۷ | حضور فرشتگان در غزوه اُحد و نقد گزارش آن |
| ۸۸ | جان فشانی شهیدان و نقد گزارش آن |
| ۸۸ | تعداد شهیدان اُحد |
| ۸۹ | دفن شهیدان اُحد |
| ۹۰ | نقد گزارش |
| ۹۰ | شهادت حمزه |
| ۹۱ | خواب پیامبر ﷺ و نقد گزارش آن |
| ۹۲ | مجروح شدن پیامبر ﷺ در روز اُحد و نقد برخی از مطالب آن |
| ۹۳ | غایبان غزوه اُحد |
| ۹۴ | ○ بخش دوم: از غزوه خندق تا فتح مکه |
| ۹۴ | □ غزوه خندق |
| ۹۴ | غزوه خندق در قرآن |
| ۹۴ | تاریخ غزوه خندق |
| ۹۵ | حضور زبیر در غزوه خندق |
| ۹۶ | نقد گزارش |
| ۹۶ | رجز پیامبر ﷺ و اصحاب هنگام حفر خندق |
| ۹۸ | حضور عمار بن یاسر در غزوه خندق |
| ۹۹ | حضور جابر بن عبدالله انصاری در غزوه خندق |
| ۱۰۰ | قضا شدن نماز پیامبر ﷺ و اصحاب |
| ۱۰۱ | نقد گزارش |
| ۱۰۲ | دعای پیامبر ﷺ |
| ۱۰۲ | مجروح شدن سعد بن معاذ |
| ۱۰۳ | پایان غزوه خندق |
| ۱۰۴ | □ غزوه بنی قریظه و گزارش های پیرامون آن |
| ۱۰۴ | علت غزوه بنی قریظه و زمان آن |
| ۱۰۶ | قضا شدن نماز اصحاب |

| | |
|-----|--|
| ۱۰۷ | سرنوشت بنی قریظه |
| ۱۰۹ | نقد گزارش |
| ۱۱۰ | گزارش پس از جنگ و نقد آن |
| ۱۱۱ | □ غزوه بنی مصطلق (مریسیع) |
| ۱۱۳ | □ داستان افک |
| ۱۱۸ | گزارش سیره نویسان از داستان افک |
| ۱۲۱ | نقد گزارش |
| ۱۲۵ | علی بن ابی طالب <small>علیه السلام</small> و داستان افک |
| ۱۲۵ | حسان بن ثابت و داستان افک |
| ۱۲۶ | □ صلح حدیبیه و گزارش های پیامون آن |
| ۱۲۷ | حرکت به سوی حدیبیه |
| ۱۲۸ | نقد گزارش |
| ۱۲۸ | توقف در حدیبیه |
| ۱۲۹ | نقد گزارش |
| ۱۳۰ | تشنگی مسلمانان در حدیبیه |
| ۱۳۱ | خبررسانی بدیل بن ورقاء |
| ۱۳۳ | نمایندگان قریش در حضور پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> |
| ۱۳۶ | نوشتن صلح نامه |
| ۱۳۹ | نقد گزارش |
| ۱۴۱ | تازه مسلمانان قریش نزد پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> |
| ۱۴۲ | نقد گزارش |
| ۱۴۳ | تعداد مسلمانان حاضر در حدیبیه |
| ۱۴۳ | حضور منافقان در حدیبیه |
| ۱۴۴ | احکام عمره |
| ۱۴۵ | بیعت رضوان |
| ۱۴۶ | فضیلت اهل بیعت رضوان |
| ۱۴۶ | عمر بن خطاب در بیعت رضوان |
| ۱۴۷ | عثمان بن عفان و بیعت رضوان |
| ۱۴۸ | نقد گزارش |
| ۱۴۸ | □ غزوه ذی القرد |
| ۱۴۹ | نقد گزارش |

| | |
|-----|---|
| ۱۵۳ | □ غزوه ذات الرقاع |
| ۱۵۴ | نامگذاری ذات الرقاع |
| ۱۵۴ | نماز خوف در ذات الرقاع |
| ۱۵۵ | کیفیت نماز خوف |
| ۱۵۶ | نقد گزارش |
| ۱۵۷ | داستان غورث بن حارث |
| ۱۵۹ | نقد گزارش |
| ۱۵۹ | عُباد بن بشر در ذات الرقاع |
| ۱۶۰ | □ غزوه خیبر و حوادث پیرامون آن |
| ۱۶۰ | نقد گزارش |
| ۱۶۱ | موضوع‌های نهی شده از سوی پیامبر ﷺ در خیبر |
| ۱۶۲ | نقد گزارش |
| ۱۶۴ | علی بن ابی طالب <small>رضی الله عنه</small> در خیبر |
| ۱۶۷ | نقد گزارش |
| ۱۶۸ | جهنمی شدن یکی از مسلمانان |
| ۱۶۹ | عامر بن اکوع در خیبر |
| ۱۷۱ | سلمة بن اکوع در خیبر |
| ۱۷۲ | صقیه همسر پیامبر ﷺ |
| ۱۷۴ | نقد گزارش |
| ۱۷۵ | قضا شدن نماز صبح پیامبر ﷺ |
| ۱۷۵ | نقد گزارش |
| ۱۷۶ | حضور ابوموسی اشعری در خیبر |
| ۱۷۶ | نقد گزارش |
| ۱۷۷ | غنائم خیبر |
| ۱۷۷ | منع بیع ربوی |
| ۱۷۸ | غارت غنائم خیبر |
| ۱۷۹ | زمین‌های خیبر |
| ۱۸۰ | نزاع بر سر غنائم |
| ۱۸۱ | خمس غنائم خیبر |
| ۱۸۲ | سهم غائبان خیبر |
| ۱۸۲ | مسمومیت پیامبر ﷺ در خیبر |
| ۱۸۴ | ○ بخش سوم: از فتح مکه تا رحلت پیامبر ﷺ |
| ۱۸۴ | مقدمه |

| | |
|-----|------------------------------------|
| ۱۸۴ | □ فتح مکه |
| ۱۸۴ | فتح مکه در ماه رمضان |
| ۱۸۵ | بشارت فتح مکه |
| ۱۸۶ | خیانت حاطب بن اَبی بلتَعَه |
| ۱۸۸ | حرکت پیامبر ﷺ به سوی مکه |
| ۱۹۱ | آغاز فتح مکه |
| ۱۹۳ | ورود پیامبر ﷺ به مکه |
| ۱۹۴ | اقامت پیامبر ﷺ در مکه |
| ۱۹۵ | ورود پیامبر ﷺ به کعبه |
| ۱۹۸ | منزلگاه پیامبر ﷺ در مکه |
| ۱۹۹ | صلاة الضحی |
| ۲۰۰ | نقد گزارش |
| ۲۰۰ | پایان هجرت در فتح مکه |
| ۲۰۱ | اعلان حرم بودن مکه از سوی پیامبر ﷺ |
| ۲۰۳ | درگیر نشدن با قریش |
| ۲۰۳ | اجرای حد سرقت |
| ۲۰۴ | حُرْمَت برخی چیزها |
| ۲۰۴ | ابوقحافه در فتح مکه |
| ۲۰۵ | حاضران در فتح مکه |
| ۲۰۵ | □ غزوه حنین و حوادث پیرامون آن |
| ۲۰۶ | تعداد مسلمانان در حنین |
| ۲۰۷ | فرار مسلمانان در حنین |
| ۲۰۹ | غنایم حنین |
| ۲۱۰ | اعتراض انصار به تقسیم غنایم |
| ۲۱۱ | پاسخ پیامبر ﷺ به اعتراض انصار |
| ۲۱۳ | سلاح مشرک مقتول برای قاتل مسلمان |
| ۲۱۵ | حضور اُمّ سلیم در حنین |
| ۲۱۶ | آزادی اسیران غزوه حنین |
| ۲۱۸ | □ غزوه تبوک و حوادث پیرامون آن |
| ۲۱۹ | گزارش موضع حجّر |
| ۲۱۹ | منع از نوشیدن آب |
| ۲۱۹ | داخل نشدن در خانه‌ها |
| ۲۲۰ | پیشگویی پیامبر ﷺ |

| | |
|-----|--|
| ۲۲۱ | جانشین پیامبر ﷺ در مدینه |
| ۲۲۲ | تخلّف کعب بن مالک از حضور در غزوه تبوک |
| ۲۲۷ | نقد گزارش |
| ۲۲۸ | گزارش ابوموسی اشعری از تبوک |
| ۲۲۸ | نقد گزارش |
| ۲۲۹ | حضور یعلی بن أمّیه در تبوک |
| ۲۲۹ | چگونگی وضو و نماز پیامبر ﷺ در تبوک |
| ۲۳۰ | نقد گزارش |
| ۲۳۱ | جمع نماز ظهر و عصر |
| ۲۳۱ | پاداش بیماران جامانده |
| ۲۳۱ | فضیلت أحد و مدینه |
| ۲۳۲ | نشانه‌های قیامت |
| ۲۳۲ | تشنگی مسلمانان |
| ۲۳۳ | نقد گزارش |
| ۲۳۴ | گرسنگی مسلمانان در تبوک |
| ۲۳۴ | نقد گزارش |
| ۲۳۵ | □ حجة الوداع و مناسک آن و حدیث غدیر |
| ۲۳۵ | مناسک حج پیامبر ﷺ |
| ۲۳۵ | گزارش احرام |
| ۲۳۸ | حلق |
| ۲۳۹ | راه رفتن پیامبر ﷺ در حجة الوداع |
| ۲۳۹ | متعه زنان و حج |
| ۲۳۹ | نماز پیامبر ﷺ در حجة الوداع |
| ۲۴۰ | همسران پیامبر ﷺ در حجة الوداع |
| ۲۴۰ | پاسخ‌های پیامبر ﷺ به احکام حج |
| ۲۴۱ | خطبه حجة الوداع |
| ۲۴۴ | حدیث ثقلین |
| ۲۴۶ | اکمال دین |
| ۲۴۷ | علی بن ابی‌طالب ﷺ در حجة الوداع |
| ۲۴۸ | خبر سعد بن ابی‌وقاص در حجة الوداع |
| ۲۴۹ | نقد گزارش |
| ۲۵۰ | بیان ابوموسی اشعری درباره حجة الوداع |
| ۲۵۰ | نقد گزارش |

| | |
|-----|---|
| ۲۵۰ | حضور کودکان در حجةالوداع |
| ۲۵۱ | سقاییت عباس بن عبدالمطلب |
| ۲۵۱ | □ بیماری پیامبر ﷺ و گزارش‌های پیرامون آن |
| ۲۵۱ | علت بیماری |
| ۲۵۲ | مخیر بودن پیامبران ﷺ میان انتخاب دنیا و آخرت |
| ۲۵۳ | لعن یهود و نصارا از سوی پیامبر ﷺ |
| ۲۵۴ | نقد گزارش |
| ۲۵۵ | حضور فاطمه <small>علیها السلام</small> نزد پیامبر ﷺ به هنگام بیماری |
| ۲۵۷ | آخرین خطبه پیامبر ﷺ |
| ۲۵۸ | آخرین نماز پیامبر ﷺ |
| ۲۵۹ | نقد گزارش |
| ۲۵۹ | امامت ابوبکر برای نماز خواندن |
| ۲۶۰ | نقد گزارش |
| ۲۶۲ | وصیت پیامبر ﷺ |
| ۲۶۳ | نقد گزارش |
| ۲۶۳ | جانشینی پیامبر ﷺ |
| ۲۶۴ | نقد گزارش |
| ۲۶۵ | مخالفت عمر بن خطاب با دستور پیامبر ﷺ |
| ۲۶۷ | نقد گزارش |
| ۲۶۸ | جانشینی ابوبکر |
| ۲۶۹ | نقد گزارش |
| ۲۷۰ | پرستاری عایشه از پیامبر ﷺ |
| ۲۷۲ | نقد گزارش |
| ۲۷۴ | خوراندن لُدود به پیامبر ﷺ |
| ۲۷۴ | نقد گزارش |
| ۲۷۵ | رحلت پیامبر ﷺ |
| ۲۷۹ | نتیجه‌گیری |
| ۲۸۱ | منابع و مأخذ |
| ۲۹۳ | پیوست |
| ۲۹۳ | موضوعات مهم گزارش‌شده سیره نبوی در صحیح بخاری |
| ۲۹۴ | موضوعات مهم گزارش‌شده سیره نبوی در صحیح مسلم |
| ۲۹۵ | موضوعات مهم گزارش‌شده سیره نبوی در السیرة النبویه (از ابن هشام) |

| | |
|-----|--|
| ۲۹۶ | موضوعات مهم گزارش شده سیره نبوی در المغازی از واقدی |
| ۲۹۷ | موضوعات مهم گزارش شده سیره نبوی در الطبقات الكبرى از ابن سعد |
| ۲۹۹ | اخبار سیره نبوی در تاریخ خلیفه بن خیاط |
| ۳۰۰ | موضوعات مهم گزارش شده سیره نبوی در انساب الاشراف |
| ۳۰۲ | موضوعات مهم گزارش شده سیره نبوی در تاریخ یعقوبی |
| ۳۰۳ | موضوعات مهم گزارش شده سیره نبوی در تاریخ الامم والملوک (تاریخ طبری) |
| ۳۰۴ | مقایسه موضوعات اخبار (مدنی) سیره نبوی در صحیحین و کتابهای تاریخی سه قرن نخست |
| ۳۱۹ | نمایه‌ها |
| ۳۱۹ | نمایه اعلام |
| ۳۲۸ | نمایه مکان‌ها |

سخن مؤلفان

از گذشته تا امروز، شناخت سیره پیامبر اسلام ﷺ با اهمیت و درخور توجه همگان بوده است. اعتبار دو کتاب صحیح بخاری و صحیح مسلم نزد اهل سنت، اعتبار اخبار متون تاریخی تا پایان قرن سوم هجری به عنوان منابع دسته اول تاریخی، علاقه‌مندان به آشنایی با سیره پیامبر اعظم ﷺ را به مراجعه به این منابع ترغیب می‌کند؛ اما اختلاف هر یک از مؤلفان این منابع در نگرش تدوین اخبار سیره، متأثر بودن از تعصب‌های سیاسی و مذهبی، ابزار مورد استفاده در نقل اخبار، اجمال و تفصیل آنان در گزارش حوادث مربوط به سیره نبوی، و همچنین فاصله زمانی رحلت پیامبر ﷺ و نخستین نگارش‌های سیره نبوی و تحریف شدن اخبار مربوط به آن، ما را بر آن داشت تا برای رسیدن به سیره واقعی پیامبر ﷺ اخبار سیره نبوی در هر یک از این دو دست منابع را مقایسه و بررسی کنیم. از این رو، در آغاز گزارش هر موضوع، اخبار صحیحین از آن موضوع را نقل کرده و آن اخبار را اصل قرار دادیم. سپس اخبار منابع تاریخی از آن موضوع را از لحاظ تشابه، تفاوت و تعارض با اخبار صحیحین مقایسه و بررسی کردیم. در پاره‌ای موارد نیز با وجود اختلاف میان اخبار صحیحین، به اختلاف آنان نیز اشاره داشتیم.

در ادامه و با توجه به تعارض و اختلاف اخبار با یکدیگر، برای روشن شدن سیره واقعی پیامبر اکرم ﷺ، افزون بر نقد و بررسی متن اخبار، در پاره‌ای موارد، اسناد و راویان آن اخبار نیز نقد و بررسی شدند. از این رو، در جهت روشن شدن سیره واقعی پیامبر اسلام ﷺ، افزون بر منابع تاریخی از آیات قرآن، از منابع تفسیری، رجالی، فقهی، حدیثی و لغت نیز استفاده شد.

اگرچه در هر یک از این منابع، حوادث مختلف مربوط به سیره نبوی نقل شده و عناوین این حوادث در پایان این پژوهش و در قالب جدول ارائه شده‌اند؛ اما با توجه به نبودن امکان نقل

همه این حوادث در پژوهش حاضر و پرهیز از انبوه شدن مطالب، مهم‌ترین حوادث دوران مدینه که در بیشتر منابع سیره نقل شده، بررسی شده‌اند.

از این روی، فصل اول را به کلیات این پژوهش اختصاص دادیم. در ادامه و در فصل دوم نیز مهم‌ترین اخبار دوران مدینه ذیل سه بخش با عناوین؛ از هجرت تا غزوه خندق، از غزوه خندق تا فتح مکه و از فتح مکه تا رحلت پیامبر ﷺ مقایسه و بررسی شده‌اند.

در پایان لازم می‌دانیم از زحمات و راهنمایی جناب آقای دکتر منصور داداش‌نژاد و ارزیاب محترم، جناب حجت‌الاسلام والمسلمین حامد منتظری مقدم که با نظریات ارزشمند خود، زمینه به ثمر رسیدن این پژوهش را فراهم آوردند، تشکر نماییم.

همچنین لازم می‌دانیم از مدیریت محترم سابق پژوهشگاه حوزه و دانشگاه جناب حجت‌الاسلام والمسلمین حسن آقا نظری و همچنین اعضای محترم شورای علمی گروه تاریخ، به ویژه مدیر گروه جناب حجت‌الاسلام والمسلمین رمضان محمدی و جناب آقای اسماعیل یارمحمدی کارشناس گروه تاریخ که در انتشار این کتاب همکاری لازم را داشتند، کمال تقدیر و تشکر را داشته باشیم.

در این مجال از ویراستار محترم جناب حجت‌الاسلام والمسلمین سعیدرضا علی‌عسگری و مجموعه انتشارات پژوهشگاه که مقدمات چاپ این اثر را فراهم کرده‌اند تشکر می‌کنیم. باید گفت آنچه که در این پژوهش پیش روی شماست حاصل چندین سال تلاش بوده تا به بررسی اخبار سیره نبوی در صحیحین با اخبار متون تاریخی پرداخته شود، در عین حال باید گفت این نوشته خالی از نقصان نیست و از پیشنهادات اهل علم و قلم و ارائه نظرات آنان در جهت غنای این پژوهش یاری خواسته تا در چاپ‌های بعدی مورد استفاده قرار گیرد.

محمدامین ایزانلو و حسین مرادی نسب

بهمن ۱۳۹۷

فصل اول

کلیات

مقدمه

از جمله موضوعات مهم و درخور توجه مؤلفان مسلمان، سیره پیامبر اسلام ﷺ است. از این رو، افزون بر منابع سیره، کتاب‌های مختلف حدیثی، انساب، تاریخ عمومی و تراجم، مانند: صحیح بخاری، صحیح مسلم، تاریخ خلیفه بن خیاط، تاریخ طبری، تاریخ یعقوبی، الطبقات الکبری نیز به نقل اخبار سیره و مغازی پیامبر ﷺ پرداخته‌اند. تفاوت هر یک از این منابع در نگرش تدوین و تفاوت در منابع و مصادر، باعث شده تا اخبار سیره نبوی در صحیحین با اخبار سیره نبوی در منابع تاریخی تا پایان سه قرن نخست هجری، بررسی شوند.

باید گفت هر یک از سیره‌نویسان، مورخان و محدثان بدون اینکه درستی یا نادرستی اخبار سیره نبوی را بررسی کنند به نقل این اخبار پرداخته‌اند. در میان این مجموعه آثار دو اثر صحیح البخاری و صحیح مسلم شهرت و اعتبار فراوانی نزد عالمان اهل سنت داشته و برخی از آنان نیز این دو کتاب را بهترین کتاب پس از قرآن کریم دانسته‌اند. اگرچه کتاب‌های یادشده از جهاتی درخور توجه و تحقیق‌اند، اما پژوهشگرانی محدود، جرأت و توان نقد و بررسی بخشی از آن را به دست آورده‌اند. از این رو، برخی از مهم‌ترین اخبار سیره نبوی دوران مدینه در صحیح البخاری و صحیح مسلم و نیز در متون تاریخی، همچون السیره النبویه، از ابن هشام، المغازی، از واقدی، تاریخ خلیفه بن خیاط، الطبقات الکبری، از ابن سعد، انساب الاشراف، از بلاذری، تاریخ یعقوبی و تاریخ طبری که تا قرن چهارم هجری تألیف شده‌اند مقایسه و بررسی شده‌اند.^۱ در اثر این

۱. در این کتاب آثار احیاشده سیره‌نگاران سه قرن نخست، مانند سیره ابان بن عثمان بجلی با نام المبعث والمغازی والسقیفه... که از سوی رسول جعفریان تحقیق و بررسی شده و نیز المغازی النبویه لابی محمد

مقایسه تفاوت‌ها و تشابه‌ها کشف شده و پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها و کمک از ابزاری مانند آیات قرآن، عقل، لغت‌شناسی و... برخی اخبار نقد و بررسی شده‌اند تا از این راه و در حد امکان، سیره حقیقی پیامبر اسلام ﷺ تبیین شود. دیگر آنکه گزارش‌های کتاب صحیحین را مبنای کار قرار داده و گزارش منابع دیگر تاریخی را با آن سنجیده و مقایسه شده و به ارزیابی آنها پرداخته شده است.

اهمیت و ضرورت تحقیق

آیه «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ...»^۱ مبنی بر سرمشق و اسوه بودن پیامبر اسلام ﷺ برای انسان‌ها و سخن امام سجاد علیه السلام که فرمود: «كُنَّا نَعْلَمُ مَغَازِيَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ كَمَا نَعْلَمُ السُّورَةَ مِنَ الْقُرْآنِ» درباره لزوم آموزش و یادگیری مغازی پیامبر ﷺ،^۲ ضرورت تحقیق و پژوهش پیرامون سیره پیامبر ﷺ را می‌رساند. همچنین، با توجه به نقل اخبار گوناگون درباره سیره پیامبر ﷺ که برخی از آنها با مقام نبوت منافات داشته و شبهات متعددی از قبیل جنگ طلبی، هوسرانی و... را به پیامبر ﷺ نسبت داده‌اند، ضرورت یافت تا با مقایسه و بررسی اخبار سیره نبوی در صحیحین و منابع تاریخی در سه قرن نخست هجری، برخی شبهات را حل کرده، زمینه نگاه واحد مسلمانان به سیره پیامبر اعظم ﷺ را فراهم آورده و سیره واقعی آن حضرت را به نحو شایسته به جهانیان معرفی کنیم تا از این راه پیامبر ﷺ میزان و اسوه و مقتدای همگان قرار گیرد.

آنچه که به عنوان هدف اصلی در این پژوهش مطرح است، استخراج اشتراک‌ها، تفاوت‌ها و تعارض‌های اخبار مدنی سیره نبوی در صحیحین با اخبار سیره نبوی در متون تاریخی در سه قرن نخست هجری است. تا از این راه اخبار مختلف سیره در منابع حدیثی و تاریخی نقد و بررسی شده و صحت و سقم آنها آشکار شود.

موسی بن عقبه و همچنین المغازی النبویة لیونس بن بکیر که از سوی حسین مرادی نسب تحقیق و اخبار آن جمع‌آوری شده‌اند مورد توجه و نظر نگارنده نبوده‌اند.

۱. «قطعاً برای شما در رفتار رسول خدا سرمشق نیکویی است، برای کسی که به خدا و روز قیامت امید دارد...» (احزاب، ۲۱).

۲. همان‌گونه که سوره‌های قرآن را می‌آموزیم، مغازی رسول خدا ﷺ را نیز می‌آموزیم (خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۲، ص ۱۹۵).

این تحقیق به شیوه توصیفی، تحلیلی، تطبیقی و انتقادی است. بدین سان که در گزارش هر موضوع از موضوعات سیره نبوی که در صحیحین نقل شده‌اند، نخست اخبار صحیحین از آن موضوع نقل شده و در صورت وجود اختلاف میان اخبار صحیح بخاری با صحیح مسلم به آن اختلاف‌ها اشاره شده است. در ادامه این روند، اخبار صحیحین در منابع تاریخی بررسی شده‌اند. بدین گونه که: آیا این اخبار در منابع تاریخی نیز نقل شده‌اند یا نه؟ و آیا اخبار منابع تاریخی با اخبار صحیحین در این موضوع با یکدیگر موافق‌اند، یا معارض؟ از این راه، افزون بر آشکار شدن اشتراک‌ها، تفاوت‌ها و تفصیل و اجمال در گزارش وقایع و اشاره به این تفاوت‌ها، اخبار نیازمند نقد نیز نقد و بررسی شده‌اند.

با بررسی‌های انجام‌گرفته آشکار شد که کار مستقلی در این موضوع انجام نشده است. اگرچه کتاب‌های ارزشمندی با نام‌های سیری در صحیحین، از سوی محمدصادق نجمی، و صحیح بخاری و مسلم در ترازوی نقد، از سوی سیدعلی حسینی میلانی نوشته شده‌اند؛ اما این کتاب‌ها بیشتر به معرفی و نقد کتاب صحیح بخاری و مسلم در موضوعات کلامی و روش حدیثی آنان پرداخته‌اند و بر موضوعات مربوط به سیره نبوی کم‌تر توجه کرده‌اند.

کتاب تجرید البخاری و مسلم فی الاحادیث التي لا تُلزم، تألیف جمال البناء^۱ است که محتوی احادیث بخاری و مسلم را نقد کرده است و نقد ایشان بر اساس قرآن و روایات نبوی است. وی به برخی از گزارش‌های تاریخی اشاره، و آنها را نقد کرده است.

کتاب پژوهشی تطبیقی در احادیث بخاری و کلینی، نوشته سیدهاشم معروف الحسنی نیز از دیگر کتاب‌های نفیس در این زمینه است؛ اما از آنجا که این کتاب احیث مربوط به مباحثی مانند بداء، واجب‌الوجود، ایمان و اسلام را مطرح ساخته و جنبه کلامی و حدیثی داشته و اشاره‌ای به مباحث تاریخی، یا اخبار سیره نبوی نداشته است، در این تحقیق استفاده نشده است.

کتاب پیامبر ﷺ در صحاح سته، نوشته حسین طیبیان، از دیگر کتاب‌های موجود در این باره است. اگرچه به برخی از موضوعات سیره نیز در این کتاب اشاره شده؛ اما اختصار در نقل و بررسی، توجه بیشتر به اخبار دیگر کتاب‌های صحاح سته نسبت به صحیح بخاری و صحیح مسلم، توجه نداشتن به منابع تاریخی و استفاده کافی نکردن از آنها، توجه بیشتر به اخبار مربوط

۱. وی از کسانی است که مدتی ریاست دارالافتاء الازهر را بر عهده داشت.

به سنت و امور شخصی پیامبر ﷺ، مانند نوع لباس پوشیدن و مطلبی به نام سهو النبی، تا اخبار سیره، از جمله کاستی‌های کتاب طیبیان هستند.

دیگر کتاب ارزشمند در این زمینه الصحیح من سیره النبی الاعظم ﷺ تألیف سیدجعفر مرتضی عاملی است.^۱ از این کتاب که دارای چاپ‌های مختلف بوده و در چندین جلد تألیف شده است، در قسمت نقد گزارش‌ها، استفاده شده است. از آنجا که کتاب سیدجعفر مرتضی به نقل از منابع متعدد، سیره نبوی را به تفصیل بررسی کرده، تمرکز کافی نسبت به اخبار سیره نبوی در صحیحین نداشته است. این امر باعث شده تا اخبار سیره نبوی در صحیحین به صورت کامل بررسی نشوند. از این رو، امتیاز کتاب حاضر آن است که بیشتر اخبار سیره نبوی در صحیحین در یک جلد فراهم آمده و بررسی شده است.

پایان‌نامه‌های بسیاری نیز در زمینه سیره نبوی نگاشته شده‌اند که همه آنها جنبه اخلاقی، تربیتی و سیاسی داشته و جنبه تاریخی ندارند. اگرچه پایان‌نامه رمضان محمدی، با نام نقد و بررسی روایات سیره نبوی قبل از بعثت، که بعدها به صورت کتاب انتشار یافته جنبه تاریخی دارد؛ اما با توجه به اینکه تنها اخبار قبل از بعثت را نقل کرده و بیشتر نظر مورخان معاصر را آورده است، با موضوع این کتاب ارتباطی ندارد.

مقاله منصور داداش‌نژاد با عنوان سیره نبوی در صحیح البخاری نیز تنها آمار اخبار سیره نبوی در صحیح البخاری را ذکر کرده و اشاره‌ای به صحیح مسلم ندارد. همچنین مقاله «نقد روایت البخاری و محمد ابن اسحاق حول صلح الحدیبه»، نوشته سیدحسین بدری تنها صلح حدیبیه از نگاه بخاری و ابن اسحاق را بررسی کرده است که در بخش «نقد صلح حدیبیه» از آن استفاده شده است.

مفاهیم

در این مجال به سه مفهوم مطرح شده در عنوان کتاب می‌پردازیم تا حوزه بحث بهتر و بیشتر آشکار شود:

- **سیره نبوی:** مراد حوادث و رخدادهای نقل شده در بیشتر کتاب‌های سیره و مغازی است. از این رو، آداب و سنن، مانند نوع پوشش، غذا خوردن و راه رفتن پیامبر ﷺ بررسی نشده‌اند.

۱. نکوداشتی برای علامه سیدجعفر مرتضی عاملی در سال ۱۳۸۰ش، از سوی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه قم برگزار شد. همچنین مجموعه مقالاتی با نام رویکرد «الصحیح» به سیره رسول خدا ﷺ از سوی جمعی از محققان و زیر نظر استاد رسول جعفریان نوشته شده و به چاپ رسیده است.

- صحیحین: مراد دو کتاب مهم اهل سنت، یعنی صحیح البخاری، نوشته محمد بن اسماعیل بخاری (۱۹۴-۲۵۶ق) و صحیح مسلم، نوشته مسلم بن حجاج قشیری نیشابوری (۲۰۴-۲۶۱ق) است.

- متون تاریخی: مراد منابع مشهور تاریخی هستند که از آغاز تا پایان قرن سوم هجری تألیف شده و اخبار سیره پیامبر ﷺ را نقل کرده‌اند. این منابع عبارت‌اند از: سیره ابن اسحاق، السیره النبویه، اثر ابن هشام، المغازی واقدی، تاریخ خلیفه بن خیاط، الطبقات الکبری، از ابن سعد، انساب الاشراف، از بلاذری، تاریخ یعقوبی و نیز تاریخ الامم والملوک، از طبری.

منابع مورد استفاده

صحیح بخاری: کتاب صحیح البخاری از محمد بن اسماعیل بخاری (۱۹۴-۲۵۶ق) است. کتاب وی از جوامع حدیثی اهل سنت است که افزون بر موضوعات فقهی، موضوعات اخلاقی، اعتقادی، فضائل اصحاب، تاریخ و تفسیر را نیز نقل کرده است. به همین دلیل تنظیم و تبویب کتاب او نیز منحصر در موضوعات فقهی نیست. از جمله موضوعات اخبار صحیح البخاری، اخبار مربوط به سیره نبوی‌اند که در بخش‌های مختلف آن، از جمله کتاب فضائل اصحاب النبی ﷺ، کتاب مناقب الانصار و کتاب المغازی نقل شده‌اند.

با توجه به محدث بودن بخاری، انگیزه او در نقل اخبار نیز حدیثی است؛ یعنی هدف او از نقل اخبار، استخراج احکام تکلیفی، اخلاقی و اعتقادی است. او اخبار مربوط به هر موضوع را تحت عنوان کتاب آورده است؛ مانند کتاب الصلاة، کتاب المغازی، کتاب السیر و... وی در ادامه نیز برای هر بخش از عنوان کتاب، عنوان جزئی‌تر به نام «باب» گشوده تا اخبار مربوط به آن را نقل کند. او اگرچه اخبار خود را به صورت موضوعی نقل کرده است؛ اما به ترتیب زمان وقوع حوادث نیز توجه داشته است. این امر در کتاب المغازی روشن است؛ زیرا بخاری کتاب المغازی را با غزوه ذی‌العشیره که اولین غزوه پیامبر ﷺ است^۱ آغاز کرده و با اخبار وفات النبی ﷺ^۲ به پایان رسانده است. البته رعایت ترتیب زمانی منحصر در اخبار دوران مدینه است. به همین دلیل بخاری اخبار مکی سیره نبوی را در کتاب بدء الوحي، کتاب الایمان و... نقل کرده است.

۱. بخاری، صحیح، ص ۹۷۰.

۲. همان، ص ۱۰۹۳.

بخاری، در نقل اخبار، روش محدثان را که توجه، اعتماد و ذکر سند اخبار است در پیش گرفته است. از این رو، خود را متعهد می‌داند تا احادیثی را نقل کند که در وثاقت ناقلان آنها اتفاق نظر باشد و سلسله سند به یک صحابی متصل می‌شود.^۱ با وجود این، بخاری در موارد متعددی شرط‌های خود در نقل اخبار را رعایت نکرده است؛^۲ زیرا در مواردی اسناد را معلق گذاشته و گاه از آوردن سند خودداری می‌کند.^۳ سزگین در این باره می‌گوید: «در تاریخ حدیث در اسلام، بخاری نخستین کسی است که بخش اعظم روایات را بدون اسناد نقل کرده است. وی افزون بر هزار و ۳۴۱ حدیث، شمار درخور توجهی از قطعه‌های لغوی، تاریخی و قطعه‌های دیگر را با تعابیر: «قال»، «ذکر»، «روی»، نقل کرده است. نقل‌های او به‌طور کلی با نقل‌های دیگر محدثان و مورخان معاصر او متفاوت‌اند. یعنی او در چنین مواردی نام راویان را حذف کرده و برای مثال، فقط گفته است: «قال ابن عباس» و سپس متن را آورده است که در اصطلاح حدیثی به چنین روایتی معلق می‌گویند».^۴ نقل از افراد غیر موثق مانند ابوهریره، از دیگر موارد متعهد نبودن بخاری به شرط‌های خود در نقل خبر است.

از جمله ابزار بخاری در نقل اخبار سیره نبوی، آیات قرآن‌اند. او در آغاز گزارش هر واقعه، آیات مربوط به آن را مستقل نقل می‌کند. این امر در گزارش غزوات بدر و أحد به خوبی مشخص است.^۵ بخاری در نقل اخبار سیره به فضائل افراد نیز توجه داشته است. چنان که کتاب فضائل اصحاب النبی ﷺ و کتاب مناقب الانصار را بدین امر اختصاص داده است. توجه بخاری به فضائل افراد از آنجا روشن می‌شود که او در ذکر فضائل افراد در کتاب المغازی، نخست فضائل پیامبر ﷺ سپس به ترتیب: ابوبکر، عمر، عثمان و علی بن ابی طالب را ذکر می‌کند. شاید بتوان گفت بیشترین منابع بخاری، استادان و محدثانی هستند که وی به گونه شفاهی از آنها روایت شنیده است. بخاری در این باره می‌گوید: من با بیش از هزار محدث و عالم، از علما و محدثان حجاز، عراق، شام، مصر و خراسان ملاقات کردم و از علم آنها بهره بردم.^۶

۱. جمشیدی، تاریخ حدیث، ص ۵۸۵.

۲. شرط‌های بخاری در نقل خبر عبارت‌اند از: معاصرت و ملاقات راوی و مروی عنه با پیامبر ﷺ متصل شدن سند روایت به صحابی پیامبر ﷺ، اتفاق علما بر عدالت و وثاقت و ضبط راوی، خالی بودن متن و سند روایت از شذوذ و علل (ابن کثیر، اختصار علوم الحدیث، ص ۲۵؛ ابن حجر، نزهة النظر...، ص ۶۰-۶۲؛ شهرستانی، وضوء النبی ﷺ، ج ۲، ص ۸۴ و ۸۵).

۳. ابوریه، اضواء علی السنه النبویه، ص ۳۱۰ و ۳۱۱.

۴. سزگین، تاریخ التراث العربی، ج ۱، جزء اول، ص ۲۲۱.

۵. بخاری، صحیح، ص ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۹۲ و ۹۹۳. ۶. ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۱۲، ص ۳۹۱.

از آنجا که در این پژوهش هدف بررسی و نقد اخبار سیره نبوی در صحیح البخاری و صحیح مسلم است، لازم است به برخی از منابع مهم بخاری در نقل این اخبار اشاره شود. محمد بن شهاب زهري (م ۱۲۴ق) از جمله منابع بخاری در اخبار سیره نبوی است. بخاری از کتاب او به گونه مستقیم، یا از طریق مکتوبات شاگردان زهري، مانند، موسی بن عقبه و معمر بن راشد استفاده کرده است. بخاری بیش از هزار و ۵۰۰ روایت را بدون ذکر سند و به صورت تعلیق از زهري نقل کرده است.^۱

موسی بن عقبه (م ۱۴۱ق) نخستین مغازی نگار،^۲ از دیگر منابع بخاری است. بخاری با الفاظی مانند: «قال»، «رواه موسی بن عقبه» و «تابعه موسی بن عقبه» از او نقل کرده است. بخاری، ۸۷ روایت به صورت متصل و مسند که موسی بن عقبه در سلسله سند آنهاست نقل می‌کند.^۳

محمد بن اسحاق (م ۱۵۱ق) از دیگر منابع بخاری است. بخاری بدون ذکر واسطه میان خود و ابن اسحاق، روایات او را نقل کرده است. ذکر نکردن واسطه‌ها از سوی بخاری بیانگر این است که وی کتاب ابن اسحاق را در اختیار داشته و مستقیم از او نقل کرده است. بخاری در ابواب مختلف کتابش با الفاظی همچون: «قال ابن اسحاق»، «تابعه محمد بن اسحاق»، «و ابن اسحاق»، هجده مورد به صورت مقطوع از او روایت نقل کرده است.^۴

از دیگر منابع بخاری که دارای تصانیف و تواریخ بودند، می‌توان به معمر بن راشد (م ۱۵۴ق)، لیث بن سعد بن عبدالرحمن (م ۱۷۵ق)،^۵ خلیفه بن خیاط (م ۲۴۰ق)،^۶ ابن ابی شیبه (م ۲۳۹ق)، یحیی بن سعید بن ابان بن سعید (م ۱۹۴ق)،^۷ ولید بن مسلم اموی (م ۱۹۵ق)^۸ و... اشاره کرد. البته روایات بخاری از ابن اسحاق و موسی بن عقبه بیشتر در باب‌های فقه است تا سیره و مغازی.

موضوعی که باید درباره بخاری و کتاب الصحیح او یادآور شد، این است که وی برای تدوین الصحیح معیارهایی را بیان کرده تا احادیث صحیح را گردآوری کند؛ اما به برخی از این

۱. جعفریان، نقد و بررسی منابع سیره نبوی، ص ۱۸۸ و ۱۸۹، مقاله «سیره نبوی در صحیح البخاری»، نوشته منصور داداش‌نژاد.

۲. بروکلیمان، تاریخ الادب العربی، ج ۲، ص ۱۰؛ ر.ک: مرادی‌نسب، موسی بن عقبه پیشگام در سیره‌نگاری، که در آن به شرح حال موسی بن عقبه، اساتید و شاگردان و چهارچوب بحث سیره‌نگاری او را نگاهشده شده است.

۳. جعفریان، نقد و بررسی منابع سیره نبوی، ص ۱۸۹.

۴. همان، ص ۱۹۰. ۵. ذهبی، تذکره الحفاظ، ج ۱، ص ۲۲۶.

۶. جعفریان، منابع تاریخ اسلام، ص ۱۲۲. ۷. ذهبی، تذکره الحفاظ، ج ۱، ص ۳۲۷.

۸. همان، ص ۳۰۳. ۹. ابوریه، اضواء علی السنة المحمدیه، ص ۳۰۱.

معیارها پایبند نبوده است. به عنوان نمونه وی از افراد فاسق، ناصبی و خارجی و دیندارنما همچون مروان بن حکم، ابوسفیان، معاویه، عمروعاص، مغیره بن شعبه و افراد دیگری روایت نقل کرده است. وی از برخی از آنان مانند عمران بن حطان (م ۸۰ق) و حریر بن عثمان (م ۱۶۲ق) که نسبت به حضرت علی علیه السلام کینه داشته‌اند، روایت نقل کرده است. عمران از روایانی است که ابن ملجم را از نیکان و خوبان ذکر کرده که رضایت پرودگار را با ضربت زدن بر فرق علی علیه السلام جلب کرده است. حتی وی سروده‌ای دارد و آن را ذخیره آخرتش دانسته است،^۱ سروده‌اش چنین است:

یا ضربه من تقی ما اراد بها
انسی لأذکره يوماً فأحسبه
الا لیلغ من ذی العرش رضوانا
اوفی البریه عند الله میزانا^۲

بخاری از فرد دیگری مانند حریر بن عثمان که از دشمنان امیرالمومنین علیه السلام است، روایت نقل کرده است، حتی افرادی مانند احمد بن حنبل بر ثقه بودن حریر تأکید بسیار دارند^۳ و او را از روایان برجسته شام دانسته‌اند.^۴ حریر به سبب دوستی که با بنی امیه داشت روایت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درباره علی علیه السلام که فرمود «انت منی بمنزلة هارون من موسی» گفت جمله حقی است؛ ولی شنونده آن اشتباه کرده است. اسماعیل بن عیاش گوید به او گفتم که آن چیست؟ گفت: «انما هو انت منی مکان قارون من موسی» به او گفتم که از چه کسی روایت می‌کنی. گفت: از ولید بن عبدالملک (حک: ۸۶-۹۶) در حالی که بالای منبر بود از او شنیدم.^۵

از این روی برخی از محققان اهل سنت به نقد اخبار در کتاب الصحیح پرداخته‌اند؛ زیرا می‌گویند «بخاری احادیث موقوفه و مقطوعه نقل کرده است و براساس آنچه که شرط او در نقل حدیث بوده، رعایت نکرده است. همچنان که وی در نقل حدیث آن را تقطیع می‌کرد و بخشی

۱. جاحط، العثمانیه، ص ۳۰۱؛ ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۲۳؛ ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۳، ص ۱۱۲۸؛ سمعانی، الانساب، ج ۱، ص ۱۲۳.

۲. ترجمه آن چنین است: «چه ضربتی بود از آن پرهیزکار! که از آن جز رسیدن به رضایت خداوند هدفی نداشت. یاد می‌کنم و گمان دارم که سنگین‌ترین میزان نزد خداوند از آن او باشد». بعضی منابع اشعار را به صورت کامل آورده‌اند که خبانت باطنی گوینده را می‌رساند. ۳. خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۸، ص ۲۶۳.

۴. همان، ص ۲۶۲.

۵. همان، ص ۲۶۲. «إسماعیل بن عیاش قال سمعت حریر بن عثمان. قال: هذا الذی یرویه الناس عن النبی صلی الله علیه و آله و سلم، قال لعلی: «أنت منی بمنزلة هارون من موسی»، حق. ولكن أخطأ السامع، قلت: فما هو؟ قال: «انما هو أنت منی مکان قارون من موسی». قلت: عن من ترویه؟ قال سمعت الولید بن عبدالملک یقوله وهو علی المنبر».

از آن را در یک قسمت و بخش دیگر را در عنوان دیگر، در جای دیگر قرار می‌داد. برخی از روایات را پیوسته، و سند برخی از آنها را انداخته است و از ۸۰ نفر از رجال غیر قابل اعتماد گزارش آورده است.^۱

از این رو کتاب بخاری همواره در طول دوره‌های مختلف مورد نقد قرار گرفته است. به عنوان نمونه ذهبی (م ۷۴۸ق) در میزان الاعتدال گوید: «لولا هیبة الجامع الصحیح لعدوه فی منکرات خالد بن مخلد»؛^۲ اگر هیبت کتاب الجامع الصحیح نبود حدیث‌شناسان او را منکر حدیث می‌دانستند. ابن حجر (م ۸۵۲ق) به شماری از روایات او تردید کرده است و آنها را صحیح نمی‌داند و ۸۰ تن از راویانی که بخاری از آنان روایت دارد را تضعیف کرده است.^۳

همچنین مؤلفان عصر حاضر با تألیفاتی مانند صحیح بخاری و مسلم در ترازوی نقد از سیدعلی حسینی میلانی، سیری در صحیحین از محمدصادق نجمی، یا در مقالاتی مانند «بررسی و نقد صحیح بخاری» از عزیزه ادیب و مقاله «بازخوانی معیار بخاری در گزینش احادیث و نقد و بررسی شروط راویان» از سیدمعصوم حسینی و منیره سادات کامرانی که در مجله علوم و معارف قرآن و حدیث، شماره ۴، پاییز ۱۳۹۴ نشر یافته، به نقد گزارش‌های بخاری پرداخته‌اند. در عین حال باید گفت توجه نکردن به محتوای روایت، نقل به معنا کردن،^۴ تعارض روایات با یکدیگر، تکرار روایات با الفاظ مختلف،^۵ تقطیع روایات به‌ویژه اخبار مربوط به علی بن ابی طالب (علیه السلام)^۶ و قابل اعتماد نبودن بیش از هشتاد نفر از رجال بخاری را باید از موارد ضعف وی و کتابش دانست.^۷

اگرچه آگاهی بخاری به حدیث باعث شده تا برخی اهل سنت او را آگاه‌ترین عالمان به علل، تاریخ و شناخت اسناد روایات دانسته^۸ و کتاب او را اجل، افضل و اصح کتاب‌های پس از قرآن بدانند؛^۹ اما برخی اهل سنت نیز روایات او را ترک،^{۱۰} به نام‌گذاری کتاب او به الجامع الصحیح و

۱. امین، ضحی الاسلام، ج ۲، ص ۱۲۴، ۱۲۶ و ۱۲۷. ۲. ذهبی، میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۶۴۱.
۳. ابن حجر، فتح الباری، ج ۲، ص ۸۱؛ ابوریه، الاضواء علی السنة المحمدیه، ص ۳۱۷.
۵. حاجی خلیفه، کشف الظنون، ج ۱، ص ۵۴۲ و ۵۴۳.
۶. میلانی، صحیح بخاری و مسلم در ترازوی نقد، ص ۳۷.
۷. ابن حجر هیثمی، الصواعق المحرقة...، ج ۱، ص ۹؛ رشید رضا، تفسیر القرآن الکریم (المنار)، ج ۱۰، ص ۶۷۱.
۸. ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۱۹، ص ۲۴۶ و ۲۴۷.
۹. همان، ص ۲۴۲؛ ابن حجر، فتح الباری، ج ۱، ص ۵؛ ابن حجر هیثمی، الصواعق المحرقة، ج ۱، ص ۹.
۱۰. میرحامد حسین، عبقات الأنوار فی إمامة الأئمة الأطهار، ج ۲، ص ۳۸۷؛ دهلوی، بستان المحدثین، ص ۱۱.

نیز نقل از راویان خوارج اعتراض کرده^۱ و نام بخاری را در کتاب الضعفاء والمترکین آورده و برای او طلب استغفار کرده^۲ و اخبار او را ظنی و غیر قابل اعتنا دانسته‌اند.^۳ همچنین بیش از صد حدیث از احادیث او از سوی دارالقطنی (م ۳۸۵ق) نقد شده است.^۴ نقل نکردن احادیث متواتر و مشهوری مانند «غدیر»،^۵ «طیر مشوی»،^۶ «سد الابواب»^۷ و «آیه تطهیر»^۸ از سوی بخاری تعصب و ورزی او به مکتب خلفا و تمایل نداشتن وی به اهل بیت پیامبر ﷺ را می‌رساند؛ زیرا با وجود معاصر بودن او با چند تن از امامان شیعه، که در معارف الهی، فقه، حدیث، سیره و علوم دیگر زبانزد عصر خود بوده‌اند وی در کتاب خود هیچ روایتی از آن بزرگواران مانند امام صادق، امام کاظم، امام رضا، امام جواد، امام هادی و امام عسکری علیهم‌السلام نقل نکرده است.^۹ در این تحقیق، صحیح بخاری، دار کثیر دمشق و بیروت که در سال ۱۴۲۳ق نشر یافته، ملاک کار بوده است.

صحیح مسلم: مسلم بن حجاج (۲۰۴-۲۶۱ق)، از محدثان بزرگ اهل سنت است که کتابش را از میان ۳۰۰ هزار حدیث تألیف کرده است.^{۱۰} اگرچه کتاب او از جوامع حدیثی اهل سنت است؛ اما موضوعات اخلاقی، اعتقادی، تاریخی، تفسیری، فضائل اصحاب و سیره نبوی را نیز

۱. صدر، نه‌ایة الدراية فی شرح الوجيزة للشيخ البهائي، ص ۴۹۹.

۲. مناوی، فیض القدير فی شرح الجامع الصغير، ج ۱، ص ۲۴.

۳. ابوزهو، الحديث والمحدثون، ص ۳۹۷. ۴. طباطبایی، آشنایی با تاریخ و منابع حدیث، ص ۷۷.

۵. پیامبر ﷺ در بازگشت از حج در محل غدیر خم فرمود: «من كنت مولاة فعلى مولاة»؛ احمد بن حنبل، مسند، ج ۲، ص ۲۶۹ و ۴۳۴ و...؛ ترمذی، سنن، ج ۵، ص ۴۵۱؛ ابن ماجه، سنن، ج ۱، ص ۱۳۷؛ نسایی، سنن، ج ۵، ص ۴۵، ۱۰۸، ۱۳۰، ۱۳۲ و...

۶. پیامبر ﷺ قصد تناول گوشت پرنده‌ای بریان را داشت، از خداوند خواست با بهترین خلق هم‌غذا شود و با حضرت علی علیه‌السلام هم‌غذا شد (ترمذی، همان، ص ۴۵۴؛ نسایی، همان، ص ۱۰۷؛ تمیمی موصلی، مسند ابی یعلی، ج ۷، ص ۱۰۵؛ حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۳۰ و...).

۷. پیامبر اکرم ﷺ به امر خداوند دستور داد تا تمام درهایی که به مسجد پیامبر ﷺ باز می‌شوند، جز در خانه علی علیه‌السلام بسته شوند (احمد بن حنبل، مسند، ج ۵، ص ۱۸۰؛ نسایی، همان، ص ۱۱۸).

۸. آیه ۳۳ سوره احزاب معروف به آیه تطهیر (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا) از آیات مهم قرآن است که در شأن اهل بیت پیامبر ﷺ یعنی: علی بن ابی طالب، فاطمه، حسن بن علی، حسین بن علی علیهم‌السلام نازل شده است (احمد بن حنبل، همان، ج ۴۴، ص ۱۱۹، ۱۷۴ و ۲۱۷؛ ترمذی، سنن، ج ۵، ص ۱۹۲، ۴۷۹ و ۵۱۲؛ نسایی، همان، ص ۱۱۳).

۹. حر عاملی، الفصول المهمة فی اصول الائمه، ص ۱۸۱.

۱۰. ابن خلکان، وفيات الاعیان، ج ۵، ص ۱۹۴؛ ذهبی، تذكرة الحفاظ، ج ۲، ص ۵۸۹.

نقل کرده است. مسلم، انگیزه خود در نقل اخبار را استخراج احکام تکلیفی، اخلاقی و اعتقادی دانسته است؛ زیرا هدف او جمع‌آوری روایات صحیح متصل به پیامبر ﷺ و جذب مردم به دین بوده تا از این طریق برای مردم آرامش حاصل شود.^۱ این امر از عناوین ابواب ابتدایی کتاب الجهاد والسير قابل فهم است؛^۲ زیرا او در نقل این اخبار، به دنبال اخلاق در جنگ است تا گزارش اتفاق‌های خود جنگ‌ها.

روش مسلم نیز در نقل اخبار موضوعی بوده و همان روش محدثان است. او در جهت جداسازی احادیث صحیح از ضعیف، به اسناد روایات توجه داشته و آنها را نقل کرده است. صحیح مسلم به دلیل کامل بودن اسناد، ساختار روشن و انتخاب مناسب منابع، بر صحیح بخاری برتری دارد^۳ و ذهبی (م ۷۴۸ق) نیز بدین برتری اشاره کرده است.^۴

اگرچه مسلم سعی دارد اخبار را از افراد موثق نقل کند، اما او نیز روایات بسیاری را از افرادی غیر موثق، مانند زهری و ابوهیرة نقل کرده است. او مانند بخاری توجه به فضائل اصحاب را در نظر قرار داده و در نقل فضائل اصحاب، نخست خلفای راشدین را به ترتیب ذکر می‌کند. اختصاص یافتن بخشی از صحیح مسلم به کتاب فضائل الصحابه و بابی با عنوان «تحریم سب صحابه»، متأثر از عقیده تقدیس و تطهیر صحابه نزد اوست.^۵

توجه نداشتن به ترتیب زمانی حوادث، حتی حوادث دوران مدینه نیز متأثر از محدث بودن مسلم است. این امر در کتاب الجهاد والسير که با گزارش غزوه ذات الرقاع به پایان می‌رسد مشاهده می‌شود.^۶

ساختار کتاب صحیح مسلم نیز مانند صحیح بخاری، از کتاب و باب تشکیل یافته است. او بخش خاصی از کتاب را به اخبار سیره و مغازی اختصاص نداده است؛ از این رو، بیشترین اخبار سیره را در کتاب الجهاد والسير و کتاب فضائل الصحابه نقل کرده است.

عمده منابع مسلم در نقل اخبار، منابع شفاهی‌اند. او اخبارش را از استادان و مشایخ خود، یحیی بن یحیی التیمی (م ۲۲۶ق)، قعنبی (م ۲۲۱ق)، احمد بن یونس الیربوعی، اسماعیل بن ابی‌اویس (م ۲۲۶ق)، سعید بن منصور (م ۲۲۷ق)، احمد بن حنبل (م ۲۴۱ق) و دیگران شنیده است،^۷ اگرچه

۱. ابوزهو، الحدیث والمحدثون، ص ۳۸۲.
 ۲. مسلم، صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۳۵۶.
 ۳. سزگین، تاریخ التراث العربی، ج ۱، جزء اول، ص ۲۶۴.
 ۴. ذهبی، تذکره الحفاظ، ج ۱، ص ۵۸۹.
 ۵. مسلم، صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۹۶۸.
 ۶. همان ج ۳، ص ۱۴۴۹.
 ۷. ذهبی، تذکره الحفاظ، مجلد اول، ص ۵۸۸.

مسلم از افرادی مانند؛ موسی بن عقبه (م ۱۴۱ق)،^۱ معمر بن راشد (م ۱۵۳ق)،^۲ زهری (م ۱۲۴ق)،^۳ محمد بن اسحاق (م ۱۵۱ق)،^۴ شرحبیل بن سعد (م ۱۲۳ق)، لیث بن سعد بن عبدالرحمن^۵ (م ۱۷۵ق) و عبدالله بن مبارک^۶ (م ۱۸۱ق) نقل کرده است.

مسلم نیز مانند بخاری، از سیره‌نویسانی مانند واقدی (م ۲۰۷ق)، ابن سعد (م ۲۳۰ق) و خلیفه بن خیاط (م ۲۴۰ق) گزارشی را نقل نکرده است.

مسلم با نقل اخبار آیه تطهیر و مشخص کردن مصداق اهل بیت علیهم‌السلام، حدیث ثقلین، حدیث منزلت و نیز نقل روایاتی از امام علی، امام حسین،^۷ امام صادق،^۸ امام سجاده^۹ و امام باقر علیهم‌السلام^{۱۰} در ابواب مختلف کتاب خود، از جمله سیره،^{۱۱} نشان می‌دهد که در مقایسه با بخاری اخبار بیشتری درباره اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آورده است.

اگرچه برخی مانند ابوعلی نیشابوری (م ۳۴۹ق) گفته‌اند: در زیر آسمان نبود، صحیح‌تر از صحیح مسلم کتابی در زمینه دانش حدیث سراغ ندارم؛^{۱۲} اما برخی مانند ابوزرعه رازی (م ۲۶۴ق) نیز بر کتاب صحیح مسلم انتقاد داشته،^{۱۳} و برخی دیگر به وجود روایات جعلی در آن تصریح کرده‌اند.^{۱۴}

سیره ابن اسحاق، از محمد بن اسحاق (۸۰-۱۵۱ق) نخستین کسی است که مغازی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را به سفارش منصور عباسی نوشت و در حیره به او هدیه داد.^{۱۵}

منتسب شدن ابن اسحاق به شیعی و قدری بودن از سوی مرزبانی (م ۲۸۶ق)، شاذکونی (م ۲۳۴ق) و احمد بن یونس،^{۱۶} می‌تواند به دلیل درگیری‌های ابن اسحاق با مالک بن انس (م ۱۷۹ق) و هشام بن عروه بن زبیر (م ۱۴۶ق) باشد که آنان مخالفان خود را به تشیع منتسب می‌کردند؛ زیرا ابن اسحاق در جهت تحقیر مقام علمی مالک بن انس می‌گوید: «اعرضوا علی علم مالک و انا بیطاره».^{۱۷} مالک نیز در

۱. اصبهانی، رجال صحیح مسلم، ج ۲، ص ۲۶۳.
۲. همان، ص ۲۲۷.
۳. همان، ص ۲۰۵.
۴. همان، ص ۱۶۲.
۵. همان، ص ۱۵۹؛ ذهبی، تذکره الحفاظ، ج ۱، ص ۲۲۶.
۶. ذهبی، همان، ص ۲۷۵.
۷. همان، ص ۱۳۴ و ۱۳۵.
۸. همان، ص ۱۲۰ و ۱۲۱.
۹. همان، ج ۲، ص ۵۲ و ۵۳.
۱۰. همان، ص ۱۹۴.
۱۱. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۸۸۶؛ ج ۳، ص ۱۴۴.
۱۲. مسلم، همان، ج ۵، ص ۵۹۲؛ سمعانی، الانساب، ج ۱۰، ص ۴۲۷؛ ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۲۰، ص ۱۸۶؛ ابن کثیر، البدایة والنهایه، ج ۱، ص ۱۳۷.
۱۳. ذهبی، میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۱۲۶.
۱۴. میلانی حسینی، صحیح بخاری و مسلم در ترازوی نقد، ص ۲۱۶.
۱۵. حموی، ترجمه معجم الادب، ج ۲، ص ۱۰۴۵.
۱۶. همان، ص ۱۰۴۶.
۱۷. میرحامد حسین، عبقات الأنوار، ج ۳، ص ۵۰.

جواب می‌گفت: «و ما ابن اسحاق؟ انما هو دجال من الدجاله».^۱ به همین دلیل مالک بن انس، ابن اسحاق را به زندقه متهم کرد.^۲ مخالفت هشام بن عروه و مالک بن انس با ابن اسحاق متأثر از توجه ابن اسحاق به احادیث غیر فقهی و غیر کلامی^۳ و نیز نقل روایت از فاطمه دختر منذر بن زبیر، همسر هشام بن عروه نیز هست.^۴

روایت کردن ابن اسحاق از امام سجاد علیه السلام و حضور وی در مجالس امام باقر و امام صادق علیهما السلام و نقل بدون واسطه از این بزرگواران^۵ نیز در انتساب او به تشیع بی‌تأثیر نبوده است. از این رو، برخی مانند برقی و شیخ طوسی او را به شیعه و از اصحاب امام باقر و امام صادق علیهما السلام معرفی کرده‌اند.^۶ به هر حال، با توجه به نقل نکردن بسیاری از فضائل علی علیه السلام، مانند حدیث غدیر، تحریف حدیث منزلت^۷ و حدیث ثقلین،^۸ بعید است که وی شیعه باشد. مگر اینکه او را شیعه سیاسی، یا از مجالسین و ارادتمندان اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله بدانیم.^۹

از جمله راویان سیره ابن اسحاق، زیاد بن عبدالله بکایی (م ۱۸۳ق)، محمد بن سلمه حرّانی (م ۱۹۱ق) و یونس بن بکیر (م ۱۹۹ق)^{۱۰} هستند. کتاب سیره ابن اسحاق که در دسترس است، از سوی شاگرد وی زیاد بن عبدالله بکائی نقل شده است که شاگردش عبدالملک بن هشام معافری حمیری (م ۲۱۳ یا ۲۱۸ق) آن را تهذیب و تلخیص کرده و در مواردی نیز به اظهار نظر پرداخته و به اضافات خود تصریح داشته و طریق خود را هم ذکر کرده است.^{۱۱} این کار ابن هشام باعث شد تا نام وی در ردیف و کنار نام مؤلف قرار گیرد.

اگرچه ابن اسحاق در نقل اخبار، روش محدثان که ذکر اسناد است، به کار گرفته؛ اما توجه و ذکر اسناد از سوی او در همه گزارش‌هایش یکسان نیست. این تفاوت در گزارش اخبار پیش از هجرت، به ویژه اخبار پیش از بعثت آشکار است. ابن اسحاق در اسناد گزارش‌های خود از الفاظی مانند: «هذا ما بلغنا من الکهان من العرب»،^{۱۲} «حدثني بعض أهل نجران عن أهلها»،^{۱۳} «حدثني من

۱. سهیلی، الروض الأنف، ج ۱، ص ۲۲.
 ۲. بروکلیمان، تاریخ الادب العربی، ج ۲، ص ۱۱.
 ۳. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۰۷.
 ۴. برقی، رجال البرقی، ص ۷۷؛ شیخ طوسی، رجال الطوسی، ص ۱۴۴ و ۲۷۷.
 ۵. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۲، ص ۵۱۹.
 ۶. اردبیلی، جامع الرواه، ج ۲، ص ۴۵.
 ۷. رک: مرادی‌نسب، المغازی النبویه لیونس بن بکیر؛ به تفصیل به شرح حال او و کتابش پرداخته شده است.
 ۸. ابن هشام، السیره النبویه، ص ۱۲، مقدمه.
 ۹. همان، ص ۳۴.
 ۱۰. ذهبی، تذکره الحفاظ، ج ۱، ص ۱۷۳.
 ۱۱. حموی، ترجمه معجم الادباء، ج ۲، ص ۱۰۴۵.
 ۱۲. همان، ص ۲۲۴، ۳۴۰ و ج ۲، ص ۴۹۷ و ۶۶۳.
 ۱۳. همان، ص ۶۰۴.

لا أتهم»،^۱ «حدثني بعض أهل العلم»،^۲ و «حدثني محدث»،^۳ استفاده کرده است که باعث تضعیف گزارش‌ها می‌شوند. او برخلاف بخاری و مسلم، در بسیاری از موضوعات اظهار نظر کرده و در مواردی نیز با گفتن «اللّه اعلم»،^۴ از اظهار نظر خودداری ورزیده است.

ابن اسحاق در گزارش اخبار سیره می‌کوشد تا ترتب زمانی وقایع را رعایت کرده، وقایع را براساس تقدم و تأخر زمانی گزارش کند. چنان که این امر در بخش مغازی بیشتری مشاهده می‌شود.

ابن اسحاق در گزارش اخبار سیره، افزون بر اخبار، از علم الانساب نیز بهره برده است.^۵ آیات قرآنی و شرح و شأن نزول آیات در پایان گزارش یک موضوع به عنوان مؤید، از دیگر عناصری است که ابن اسحاق در نقل اخبار سیره نبوی از آن بهره گرفته است. چنان که این امر در غزوات پیامبر ﷺ، مانند غزوه بدر قابل مشاهده است.^۶ شعر و علم ادبیات عرب نیز از دیگر عناصر به کار گرفته شده از سوی ابن اسحاق در گزارش اخبار سیره نبوی است.^۷

ابن اسحاق اخبار خود را از راه‌های مختلف، حتی روایات یهود و نصارا نیز نقل کرده است.^۸ به همین دلیل نه می‌توان همه آنچه را از سوی ابن اسحاق نقل شده، تأیید کرد و نه می‌توان آنها رد کرد، بلکه هر گزارش حکم خاص خود را دارد که باید به کمک معیارهای صحت و سقم گزارش‌ها آنها را ارزیابی کرد.

پیشتازی ابن اسحاق در سیره‌نگاری باعث شده تا شافعی بگوید: شناخت مغازی مستلزم شاگردی ابن اسحاق است.^۹ از این رو، بیشتر محدثان و مورخان از اخبار او استفاده کرده، اخبار وی را سرلوحه کار خود قرار داده و او را «امیرالمؤمنین» در حدیث معرفی کرده‌اند^{۱۰} و کسانی هم مانند بخاری (م ۲۵۶ق)، مسلم (م ۲۶۱ق) ترمذی (م ۲۷۹ق)، نسایی (م ۳۰۳ق)، ابوداؤد (م ۲۷۵ق)، ابن ماجه (م ۲۷۳ق) اخبار وی را نقل و بیان کرده‌اند.^{۱۱}

به هر حال، اگرچه سیره ابن اسحاق منبع با ارزشی برای اخبار سیره است؛ اما به دلیل برخی کاستی‌ها، از جمله مشخص نبودن منابع برخی اخبار، به‌ویژه اخبار دوران مکه، نمی‌توان به همه اخبار آن اعتماد کرد.

۱. همان، ص ۱۰۰ و ۲۲۱.

۲. همان، ص ۱۶۶ و ۲۰۸.

۳. همان، ص ۲۷.

۴. همان، ص ۳ و ۱۶۷.

۵. همدانی، سیرت رسول الله، ج ۱، مقدمه مصحح.

۶. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۲، ص ۱۰۶-۱۲۲.

۷. همان، ج ۱، ص ۲۳۵-۲۳۶.

۸. حموی، ترجمه معجم الادباء، ج ۲، ص ۱۰۴۶.

۹. مزی، تهذیب الکمال، ج ۱۶، ص ۷۴؛ ابن عماد حنبلی، شذرات الذهب، ج ۱، ص ۲۲۷.

۱۰. ذهبی، تذکره الحفاظ، مجلد اول، ص ۱۷۳. ۱۱. ابن عمر، خلاصه سیرت رسول الله، مقدمه، ص ۵ و ۶.